

۱۴۴۶.۷۸

واکاوی احکام فقهی - حقوقی

رسانه‌ی گمراهی

(رویکرد تحلیلی انتقادی)

نویسنده:

دکتر احسان علی اکبری بودایی دکتر مرتضی طیبی جبلی

عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان



مجمع علمی و فرهنگی مجید

سرشناسه	: علی اکبری بابوکانی، احسان
عنوان و نام پدیدآور	: واکاوی احکام فقهی-حقوقی رسانه گمراهی (رویکرد تحلیلی انتقادی)/ مولفان احسان علی اکبری بابوکانی / مرتضی طبیبی جبلی.
مشخصات نشر	: تهران: مجد، ۱۳۹۵.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۳-۶۹۳-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: فقه جعفری — قرن ۱۴
موضوع	: گمراهی — جنبه‌های قرآنی
شناسه افزوده	: طبیبی جبلی، مرتضی،
رده رده‌بندی کنگره	: BP۱۸۳/۵/ع۸و۲ ۱۳۹۵
رده رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۴۲
شماره کاتالوگ ملی	: ۴۳۶۸۹۹۵

هرگونه تکثیر کامل یا قسمتی از کتاب بدون اجازه پدیدآورنده، یا ناشر خلاف قانون، شرع و اخلاق است.
موارد تخلف را به دفتر مرکزی «مجد» گزارش فرمایید.

واکاوی احکام فقهی - حقوقی رسانه‌ی گمراهی (رویکرد تحلیلی انتقادی)

مؤلفان: دکتر احسان علی اکبری بابوکانی / دکتر مرتضی طبیبی جبلی

انتشارات مجد

چاپ اول: ۱۳۹۵ تعداد: ۵۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ. منحصراً «مجد» است.

دفتر مرکزی مجد:

تهران، میدان انقلاب، تقاطع خیابان وحید نظری و ۱۲ فروردین پلاک ۱۰۸

تلفن و دورنگار: ۶۶۴۹۵۰۳۴ - ۶۶۴۰۹۴۲۲ - ۶۶۶۶۱۰۱۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۳-۶۹۳-۷

ISBN: 978-600-193-693-7

شعبه فروردین: خیابان ۱۲ فروردین، مقابل تزییلات، پلاک ۲۸۳، طبقه دوم - تلفن: ۶۶۴۰۹۹۸

شعبه اردیبهشت: خیابان اردیبهشت (میری جاوید)، تقاطع شهدای ژاندارمری، پلاک ۷ - تلفن: ۶۶۴۸۶۱۷۴

www.majdlaw.ir

E-mail: majdlaw92@gmail.com

سیستم اشتراک پذیری «مجد»:

ارسال پیامک حاوی نام و نام خانوادگی و شغل (در صورت تمایل) به شماره ۰۲۱۶۶۴۹۰۹۹۸

فصلنامه حقوقی مجد با ارائه مقالات اساتید میرز حقوق کشور بطور منظم منتشر می‌شود.

فهرست مطالب

درآمد	۱۱
فصل اول: کلیات و مفاهیم	۲۵
مبحث اول: معناشناسی «ضلال»	۲۵
گفتار اول: ضلال و واژه های مرتبط با آن در نگاه واژه شناسان	۲۶
۱. معناشناسی «ضلال» در نگاه واژه شناسان	۲۶
۲. واژه های مرتبط با «ضلال» در نگاه واژه شناسان	۲۸
۱. ۲. «رشاد» در نگاه واژه شناسان	۲۸
۲-۲. «هدایت» در نگاه واژه شناسان	۲۹
گفتار دوم: ضلال، قرآن کریم	۳۰
۱. معناشناسی «ضلال» در قرآن	۳۰
۲. مصادیق «ضلال» در دین از منظر قرآن کریم	۳۹
ا. انکار وجود روحانیت خدا و قیامت (ضروریات مسلمین)	۳۹
ب. اتباع هوای نفس	۴۰
ج. اعوجاج و انحراف در دین	۴۱
د. کتمان و عصیان دستورات الهی	۴۱
گفتار سوم: معناشناسی «ضلال» در روایات	۴۲
مبحث دوم: «آزادی» از منظر فقه	۵۲
گفتار اول: آزادی عقیده	۵۲
بند اول: معناشناسی آزادی عقیده	۵۲
بند دوم: جایگاه آزادی عقیده در دین	۵۶
بند سوم: دلائل و شواهد مدعا	۵۷
ا. دلیل و شاهد اول: آیات قرآن کریم	۵۷
ب. شاهد دوم: گزاره های تاریخی مبتنی سیره ی شارع	۶۰
۱. برخورد پیامبر(ص) با منافقان در مدینه	۶۱
۲. برخورد پیامبر(ص) با کفار و اقلیت های مذهبی	۶۴
۳. برخورد علی(ع) با مخالفان خود	۶۸
ا. مخالفان غیر از خوارج	۶۸
ب. مخالفان از خوارج	۶۸
گفتار دوم: آزادی بیان	۷۱

بند اول: تحریر محل بحث و ضرورت آن	۷۱
بند دوم: ادله و شواهد مدعا	۷۴
۱. مقتضای آیات قرآن کریم	۷۴
أ. آیات دال بر استماع آزادانهی افکار و وجوب جدال به احسن روشها	۷۵
ب. آیات دال بر انتخاب با بصیرت دین	۷۷
ج. آیات دال بر عدم کتمان حق	۷۸
۲. مقتضای سیره	۷۹
۳. مقتضای حکم عقل	۸۱
الف. حکم استقلالی عقل	۸۲
ب. حکم غیر استقلالی عقل	۸۳
۱. مقتضای اصل در نقل افکار و اطلاعات	۸۴
۲. اظهار امید و مقتضای عناوین ثانویه	۸۸
مبحث سوم: سیر تاریخی مفهوم و احکام «کتب ضلال» در اندیشه فقیهان	۹۰

فصل دوم: موضوع شناسی کتب ضال

مبحث اول: دیدگاه‌ها در باب موضوع «کتب ضلال»	۱۲۷
گفتار اول: کتب ضد رشاد (دیدگاه صاحب جواهر)	۱۲۹
گفتار دوم: کتب کاملاً مشتمل بر ضلال (دیدگاه سید محمد جواد عاملی)	۱۳۱
گفتار سوم: کتب نگارش شده برای تقویت ضلال (دیدگاه کاشف الغطاء)	۱۳۳
گفتار چهارم: کتب مضیل (دیدگاه شیخ مرتضی انصاری)	۱۳۵
گفتار پنجم: کتب دارای شأنیت اضلال (دیدگاه سید محمد ناظم طباطبائی یزدی)	۱۳۷
گفتار ششم: کتب مخالف حق یا علم مکلف (دیدگاه محقق براقی)	۱۳۸
گفتار هفتم: دیدگاه صاحب حدائق (کتب اهل ضلال)	۱۳۹
گفتار هشتم: کتب مشتمل بر ضلال (مختار نگارندگان)	۱۴۰
مبحث دوم: متعلقات حکم در اندیشه فقیهان	۱۴۵

فصل سوم: نقد و تحلیل احکام تکلیفی کتب ضلال

مبحث اول: حکم تکلیفی مرحله تولید [تألیف و نگارش]	۱۴۹
گفتار اول: وجوه قابل طرح در باب حکم تکلیفی تألیف و ایجاد کتب ضلال	۱۵۰
گفتار دوم: نقد و بررسی ادله‌ی [وجه] حرمت تألیف کتب ضلال	۱۵۰
بند اول: نقد و بررسی ادله‌ی عقلی	۱۵۱
أ. لزوم قلع ماده فساد	۱۵۱
ب. دفع ضرر محتمل	۱۵۲

ج. تالیف و ایجاد کتب ضلال، کاشف از رضایت به آن	۱۵۳
د. بداهت دین	۱۵۳
بند دوم: نقد و بررسی ادله ی نقلی	۱۵۴
ا. مقتضای ادله ی قرآنی	۱۵۴
دلیل اول: اجتناب از «لهو الحدیث»	۱۵۴
دلیل دوم: لزوم اجتناب از قول زور	۱۵۵
دلیل سوم: ممنوعیت افتراء و کذب بر خداوند متعال	۱۵۶
دلیل چهارم: نهی از اعانت بر گناه	۱۵۶
ب. مقتضای ادله ی روایی	۱۵۷
دلیل اول: روایت مشهور به تحف العقول	۱۵۷
دلیل دوم: روایت عبدالملک بن اعین	۱۵۸
دلیل سوم: روایت ابو عبیده الحذاء و محمد بن مسلم	۱۵۹
مبحث دوم: احکام تکلیفی مراحل پس از تولید	۱۶۱
گفتار اول: حکم تکلیفی حفظ کتب ضلال	۱۶۱
بند اول: معنای حفظ و نگاه فقیهان	۱۶۱
بند دوم: دیدگاه ها و مبررات تعیین ان پیرامون حفظ کتب ضلال	۱۶۲
بند سوم: نقد و بررسی ادله ی فقهی در حرمت حفظ	۱۶۴
۱. نقد و بررسی ادله عقلی فقهی	۱۶۵
ا. لزوم قلع ماده فساد و ظلم	۱۶۵
ب. دفع ضرر محتمل	۱۷۶
ج. لزوم دفع منکر	۱۸۳
د. وجوب جهاد با اهل ضلال	۱۸۵
ه. حفظ کتب ضلال، دلیل بر رضایت به آن	۱۸۸
و. وجود بدعت در کتب ضلال	۱۸۹
ز. اجماع و نفی خلاف	۱۹۳
۲. نقد و بررسی ادله ی نقلی	۱۹۷
ا. آیات مورد استناد	۱۹۷
دلیل اول: اجتناب از لهو الحدیث	۱۹۷
دلیل دوم: لزوم اجتناب از قول زور	۲۰۴
دلیل سوم: افتراء و کذب بر خداوند متعال	۲۱۱
دلیل چهارم: آیات ذم کتابت آیات الهی از پیش خود	۲۱۴
دلیل پنجم: نهی از اعانت بر گناه	۲۱۶
ب. مقتضای ادله ی روایی	۲۲۳

- ۲۲۴ دلیل اول: روایت [مشهور به] تحف العقول
- ۲۳۰ دلیل دوم: روایت عبدالملک بن اعین
- ۲۳۳ دلیل سوم: روایت ابوعمیده حذاء و محمد بن مسلم
- ۲۳۴ دلیل چهارم: روایت نبوی دال بر القاء تورات
- ۲۳۷ ه. نکته‌ها و اشکال‌ها
- ۲۴۸ گفتار دوم: حکم تکلیفی نسخه برداری و نشر و توزیع [کتب] ضلال
- ۲۴۹ بند اول: دیدگاه‌های فقیهان در مسئله نسخه برداری و انتشار [کتب] ضلال
- ۲۵۰ بند دوم: نقد و بررسی ادله‌ی قائلان به حرمت حفظ
- ۲۵۱ ۱. نقد و بررسی ادله‌ی عقلی فقیهان
- ۲۵۱ ا. لزوم قلع ماده فساد و ظلم
- ۲۵۴ ب. منع نشر محتمل
- ۲۵۷ ج. وجوب جهاد با اهل ضلال
- ۲۵۹ د. نسخه برداری، انتشار کتب ضلال، کاشف از رضایت به آن
- ۲۶۰ ه. وجود بدعت در کتب ضلال
- ۲۶۱ و. اجماع و نفی حدیث
- ۲۶۲ ۲. نقد و بررسی ادله‌ی نقلی
- ۲۶۳ ا. مقتضای ادله‌ی قرآنی
- ۲۶۳ دلیل اول: اجتناب از لهُو الخبیث
- ۲۶۵ دلیل دوم: لزوم اجتناب از قول رور
- ۲۶۷ دلیل سوم: افتراء و کذب بر خداوند متعال
- ۲۶۸ دلیل چهارم: آیات ذمّ کتابت آیات الهی از پیش خم
- ۲۶۹ دلیل پنجم: نهی از اعانت بر گناه
- ۲۷۰ ب. مقتضای ادله‌ی روایی
- ۲۷۱ دلیل اول: روایت [مشهور به] تحف العقول
- ۲۷۳ دلیل دوم: روایت عبدالملک بن اعین
- ۲۷۴ دلیل سوم: روایت ابوعمیده الحذاء و محمد بن مسلم
- ۲۷۶ ج. اشکالات و پاسخ‌ها
- ۲۸۵ د. نکته‌ها
- ۲۸۵ ۳. استثنای جواز انتشار اطلاعات در نگره‌ی فقه
- ۲۸۶ ا. انتشار و اشاعه‌ی مصادیق فحشا
- ۲۸۷ ب. انتشار اتهام‌های اخلاقی و جنسی
- ۲۸۸ ج. توهین به مقدّسات و مسخره نمودن مذاهب، عقاید
- ۲۸۹ د. انتشار مسائل امنیتی و اطلاعاتی

ه. منشورات محل امنيت و موجد وحش و اضطراب در شهروندان	۲۸۹
و. انتشار اکاذيب	۲۸۹
۴. جايگاه انصاف در انتقال و دريافت ديتا	۲۹۵
أ. دلائل لزوم انصاف در اخذ اطلاعات	۲۹۵
ب. گردش منصفانه محتوای رسانه‌ای	۲۹۷
۵. مخالفان متمسک به خشونت	۲۹۸
۶. عدالت و مخالفان فکری	۳۰۱
۷. جريانه‌های ناسالم اطلاعاتی و مسئوليت حکومت دينی	۳۰۲
أ. استفاده از استراتژی حل	۳۰۳
ب. استفاده از استراتژی نقض	۳۰۵
کفتار سوم: حکم تکلیفی مطالعه و تدریس کتب ضلال	۳۰۷
بند اول: پيام‌های فقهيان در باب مطالعه و تدریس کتب ضلال	۳۰۸
بند دو: نقد بررسی ادله‌ی قائلان به حرمت مطالعه و تدریس	۳۰۹
۱. نقد و بررسی ادله‌ی عقلی	۳۰۹
أ. لزوم قبح مطالعه فساد	۳۱۰
ب. دفع ضرر شتمل	۳۱۳
د. وجوب جهاد با اهل ضلال	۳۱۶
ه. مطالعه و تدریس کتب ضلال ناشف از رضایت به آن	۳۱۸
و. وجود بدعت در کتب ضلال	۳۱۸
ز. اجماع و نفی خلاف	۳۱۹
۲. نقد و بررسی ادله‌ی نقلی	۳۲۰
أ. مقتضای ادله‌ی قرآنی	۳۲۰
دلیل اول: اجتناب از لهُو الحدیث	۳۲۰
دلیل دوم: لزوم اجتناب از قول زور	۳۲۲
دلیل سوم: افتراء و کذب بر خداوند متعال	۳۲۴
دلیل چهارم: نهی از اعانت بر گناه	۳۲۵
ب. مقتضای ادله‌ی روایی	۳۲۶
دلیل اول: روایت [مشهور به] تحف العقول	۳۲۶
دلیل دوم: روایت عبدالملک بن اعین	۳۲۸
دلیل سوم: روایت ابو عبیده الحذاء و محمد بن مسلم	۳۲۹

فصل چهارم: نقد و تحلیل احکام وضعی کتب و رسانه‌های گمراهی	۳۳۳
مبحث اول: مالیت یا عدم مالیت کتب و رسانه‌های گمراهی	۳۳۳
مبحث دوم: بطلان یا صحت جریان عقود	۳۳۷
گفتار اول: جریان عقود معاوضی	۳۳۷
گفتار دوم: جریان عقود غیر معاوضی	۳۳۹
مبحث سوم: ضمان (مسئولیت متشاء از کتب و رسانه‌های گمراهی)	۳۴۰
گفتار اول: مسئولیت مدنی	۳۴۰
گفتار دوم: مسئولیت کیفری	۳۴۱
الف. اعمالی که در شرع حرام اعلام شده‌اند	۳۴۱
ب. اعمالی که در شرع نهی مشخصی برای آنها وارد نشده	۳۴۲
برآمد و نتایج	۳۴۵
منابع و مآخذ	۳۵۱

درآمد

در اهمیت بازپروهی مفهومی و حکمی آرای فقهایان در باب کتب ضلال و گمراهی و جالسهای آن، پس که دو دانشمند بزرگ امامیه: جواد حسینی عاملی [صاحب مفتاح-الکرامه] نویسند:

«استاد ما - فاضل الله روحه و حشره مع آیات الطاهرین صلوات الله علیهم اجمعین - از هفت سال قبل به این مسئله را نزد ایشان می خواندم، در تحریر موضوع او تنقیح محل بحث اشکال می نمود و از نزد او در حالی رفتیم که نظر مبارکش بر چیزی قرار نگرفت».

مرحوم کاشف الغطاء نیز این مسئله را بسیار خطرناک و لغزشگاه قدم‌ها می دانست و می فرمایند: در این مسئله قدم برخی از بزرگان [منظر محدث بحرانی است، که در حکم مسئله با مشهور مخالف می باشند] نیز لغزیده است.^۱ از اینکه بگذریم، امروزه از جمله موضوعاتی که در مقوله‌ی آزادی اطلاع‌یابی و اطلاع‌رسانی که تبلور اصلی آن آزادی عقیده و بیان است، باید مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد، ممنوعات کتب و نشریات گمراه کننده است. علما و اندیشمندان اسلامی که از دیرباز، حفظ و صیانت از ایشان را عقاید صحیح اسلامی را از وظایف مهم خود می دانسته‌اند، بحثی را در فقه به عنوان «کتب ضلال» مطرح کرده‌اند که ظاهراً سابقه‌ای در منابع فقهی قدیمی همانند: الجامع للشرائع، غنیه، جواهر فی الفقه، هدایه و المقتصر نداشته و مبتنی بر قواعد و عموماًست و با اجتهاد مبتنی بر عموماًست و اطلاقات، احکامی را در مورد حفظ و نگهداری، خرید و فروش، تعلیم و تعلم،

۱. حسینی عاملی، محمد جواد، مفتاح الکرامه، ج ۴، ص ۴۷۱

۲. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر، شرح الشیخ جعفر علی قواعد العلامة ابن المطهر، ص ۴۷

مطالعه و نسخه‌برداری اینگونه نوشته‌ها از آن استخراج کرده‌اند. بدیهی است با تشکیل حکومت اسلامی و قدرت یافتن آن، این احکام که از احکام اجتماعی و ضروری برای حفظ عقاید دینی است، از قالب فتوی خارج گردیده و در چارچوب قوانین و مقررات اسلامی در می‌آید، لذا باید جوانب مختلف آن، مورد بازنگری و مذاقه قرار گیرد، تا مبادا به بهانه‌ی حفظ عقاید صحیح اسلامی، زمینه‌های تحقیق و ارائه‌ی افکار نو و توسعه‌ی علم و دانش و در یک کلام اجتهاد پویا را از جامعه‌ی علمی سلب نماییم. و باعث سلب یکی از اساسی‌ترین حقوق افراد یعنی حق آزادی اطلاع‌یابی و اطلاع‌رسانی و محدودیت بیان و عقیده شده. در نهایت منجر به مفاسد عظیمی چون ایجاد تنفر از قوانین اسلامی، مخفی و دور شدن افکار و طالب داطل از دسترس نقد و ابطال و تعطیلی معظمی از علوم گردیم. لذا شایسته است که به این بحث که از مباحث اساسی آزادی بیان و زیر بنای بسیاری از قوانین حوزه مطبوعات و نشریات و رسانه‌ها است، بپردازیم.

آغاز بحث پیرامون «کتب ضلال»^۱ باید در عبارات شیخ مفید در کتاب المقنعه جست و جو نمود. از تتبع ما در کتب فقهی - دینی فقهی حاصل آمد که پیش از ایشان در هیچ یک از متون فقهی، بحثی در این خصوص و احادیث آن یافت نمی‌شود، اگرچه اشاراتی به مفهوم ضلال و مصادیق آن در قرآن کریم و در برخی از روایات شده است اما خصوص عبارت «کتب ضلال» ظاهراً عنوان بدیعی است که شیخ مفید^۲ آن اشاره کرده‌اند و فقیهان دیگر در پیروی از ایشان به بسط و گسترش آن همت گمارده‌اند. شیخ مفید با قرار دادن دو عنوان «کتب الکفر» و «کتب الضلال» در کنار یکدیگر، کلیه‌ی فعالیت اقتصادی از طریق حفظ و نگهداری و یا مرمت و بازسازی و نسخه‌برداری از این کتب را حرام اعلام و فرموده‌اند: «کتابهای کفر و جلد نمودن آن، حلال نیست، مگر برای اقامه‌ی دلیل بر بطلان آنها و کسب مال به وسیله حفظ و نگهداری کتابهای گمراه‌کننده و همچنین نوشتن آنها، «جائز نیست»، مگر برای اثبات بطلان»^۳ فقهای پس از ایشان همانند: شیخ طوسی^۴، ابن براج^۵ و ابن

۱. «و لا یحل کتب الکفر و تجلیدها الصحف الا لاثبات الحجج فی فسادها و التکسب بحفظ کتب الضلال و

کتبه علی غیر ما ذکرنا حرام» (رک: شیخ مفید، محمد بن محمد بن النعمان، المقنعه، ص ۱۹۰)

۲. طوسی، محمد بن حسن، النهایه، ص ۳۶۵

۳. ابن براج، عبدالعزیز بن نحریر، المهدب، ج ۱، ص ۳۶۵

ادریس^۱ در کتب خود با ذکر همین عنوان «حرام بودن نگهداری یا اجرت بر آن» را مورد تأیید قرار داده‌اند. مرحوم سلار نیز در *المراسم* می‌گویند: «مکاسب محرم عبارتند از: دریافت اجرت برای کتب کفر مگر در صورت اراده برای نقض محتوای آن کتب».^۲ در سیر تاریخی مطالعه‌ی آثار فقیهان امامیه، به این نتیجه می‌رسیم که، اولین کسی که در تحریم حفظ و نگهداری کتب ضلال، وجود هر گونه اختلاف را در بین فقیهان منتفی می‌داند، علامه در کتاب *منتهی المطلب*^۳ و *تذکره الفقهاء* است.^۴ عنوان «کتب ضلال» با گذر زمان، در اندیشه فقیهان دایره‌ی وسیع‌تری پیدا کرده، تا جایی که در عبارت شهید در درس عنوان «کتب منسوخه و بدعت» نیز به آن افزوده شده است، ایشان می‌نویسند: «نسخه - برداری کتب منسوخه و تعلیم و تعلّم آن حرام می‌باشد و کتب اهل ضلال و بدعت نیز مگر برای نقض یا تقیه حرام می‌باشد».^۵ شهید نه تنها عنوان «ضلال» را در کنار عنوان «کتب منسوخه و بدعت» آورده است، بلکه یادگیری و تعلیم آن را متعلّق تحریم می‌دانند و تقیه را نیز به موارد استثناء از حریم، افزوده است و پس از شهید، فقهای دیگر نیز با عباراتی نظیر عبارت شهید، این حکم را تأیید کرده‌اند تا جایی که در بین فقیهان معاصر می‌بینیم، امام خمینی (عج) در *تحریر الوسیله* تقریباً تمام انواع تصرّف در این گونه کتابها از قبیل حفظ، نسخه‌برداری و مطالعه و تدریس و فراگیری آن را در صورتی که غرض صحیح بر آن مترتب نباشد، حرام دانسته‌اند و ائتلاف آن بخش را شامل بر شبهات و مغالطه‌هایی است که غالب مردم از حلّ و دفع آن عاجزند، واجب گردانده^۶ در مقابل برخی از فقیهان

۱. ابن ادریس، محمد بن احمد، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، ج ۲، ص ۲۱۸.

۲. سلار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز، *المراسم العلویه*، ص ۱۷۲.

۳. علامه حلی، حسن بن یوسف، *منتهی المطلب*، ج ۲، ص ۱۰۱۳.

۴. علامه حلی، حسن بن یوسف، *تذکره الفقهاء*، ج ۱، ص ۵۸۲.

۵. شهید اول، محمد بن مکی، *الدروس الشرعیه*، ج ۲، ص ۱۶۳.

۶. «بحرم حفظ کتب الضلال و نسخها و قراءتها و درسها و تدریسا، ان لم یکن غرض صحیح فی ذلک، خصوصاً ما اشتمل منها علی شبهات و مغالطات عجوزا عن حلّها و دفعها و لایجوز لهم شراؤها و امساکها و حفظها، بل یجب علیهم ائتلافها» (خمینی، روح الله، *تحریر الوسیله*، ج ۱، ص ۴۹۸).

همانند: علامه در ارشاد الاذهان^۱ و تبصرة المتعلمين^۲ و یحیی بن سعید حلّی در نزهة الناظر^۳ و صاحب ریاض در ریاض المسائل^۴ که حرمت کتب ضلال را، ارسال مسلمات و بی‌نیاز از دلیل و فی‌نفسه تلقی کرده‌اند. البته در بین فقیهان صاحب حدائق در حکم به حرمت، به دلیل غیر منصوص بودن آن، مناقشه کرده‌اند.^۵ مختصری که در باب کتب ضلال بیان نمودیم حاکی از آن است که، احکام «کتب ضلال» و متعلقات آن در اندیشه‌ی فقیهان امامیه کاملاً شفاف‌سازی و تنقیح نشده و در معامله با آنها رویه واحدی در بین فقیهان وجود ندارد و چنانکه در یادی کلام نیز بدان اشارت رفت باید توجه داشت که لوازم آن گاهی بسیار گوار است تا جایی که احکام مربوط به «کتب ضلال»، گاه دامنگیر خود فقیهان - کتب و آثار آن - نیز شده‌است و این مسئله نه تنها در گذشته بلکه امروزه نیز دیده می‌شود. نه تنها در ایران بلکه می‌بینیم فقیه بزرگی همانند: صاحب جواهر^۶، چون از مخالفان وجوب عینی نماز جمعه بوده و مسئله‌ی رواج این نماز را در دوران غیبت و در دوران خود ساخته و پرداخته حائز اذنی نزدیک به دربار صفویه می‌دانسته، کتاب الشهاب الناقب^۷ دانشمند بزرگی چون فیض کاشانی را که به شدت از این حکم دفاع می‌کند، در شمار کتب ضلال به حساب می‌آورد و ائتلاف آن را واجب می‌داند و یا سید

۱. علامه حلّی، حسن بن یوسف، ارشاد الاذهان، ص ۳۵۲

۲. همو، تبصرة المتعلمين، ص ۸۶

۳. حلّی، یحیی بن سعید، نزهة الناظر فی الجمع بین الاشیاء و النظائر (چاپ شده ضمن: نایب‌الفقهیه)، ج ۳۵، ص ۲۸۱

۴. طباطبائی، علی بن محمد علی، ریاض المسائل، ج ۱، ص ۵۰۳

۵. بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة، ج ۱۸، ص ۱۴۲

۶. «... رسالة الكاشاني التي سماها بالشهاب الناقب و رجوع الشياطين، و لو لا آية في كتاب الله لقابلناه بمثله، لكن لا يبعد أن تكون هذه الرسالة و ما شابهها من كتب الضلال التي يجب إتلافها، اللهم إلا أن يرجح بقاءها أنها أشنع شيء على مصنفها لما فيها من مخالفة الواقع في النقل و غيره، بل فيها ما يدل على أنهم ليسوا من أهل العلم كي يعتد بكلامهم و يعتني بشأنهم ...» (صاحب جواهر، محمد حسن، جواهر الكلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۱۱، ص ۱۷۸)

۷. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الشهاب الناقب، ج ۱۱، ص ۱۷۸

عاملی صاحب مفتاح الکرامه^۱ در بحث کتب ضلال می‌گوید: چون محدث بحرانی در الحقائق الناضرة^۲ دلائل کتب ضلال را غیر معتبر دانسته و کتابش مشحون از انتقادات به علم اصول و اصولیون است، لذا این کتاب، جزء کتب مضله است و باید نابود گردد. این گونه استفاده کردن از عنوان ضلال به دلیل عدم ایضاح دقیق موضوع «ضلال» در نگاه فقیهان است؛ چراکه موضوع کتب ضلال در نزد ایشان به گونه‌های مختلفی مطرح می‌گردد به طوری که دائره‌ی آن گاه به اندازه‌ای وسیع می‌شود که تمام کتب علوم مختلف را که حتی در ظرف اندیشه دینی نمی‌باشند یا آراء و کتب فقهی فقیهان شیعه را نیز در بر می‌گیرد. و با توجه به مستأمن دانستن حکم حرمت متعلقات آن و وجوب اتلاف متکثر از آن می‌گردد. برای مثال: صاحب جواهر ضلال را در مقابل «رشاد» قرار می‌دهد^۳ که در این صورت تمام کتب غیر مفید داخل در مفرم ضلال است و بر مبنای ایشان باید نابود گردد. صاحب مفتاح الکرامه مراد از کتب ضلال را کتابهایی می‌داند که برای تقویت ضلال نوشته شده است؛ خواه ضلال اسلامی و خواه انسانی یا خلاف شرعی فرعی را تقویت نماید.^۴ محقق تراقی مراد از ضلال را مخالف حق، مخالف ضروری و علم مکلف می‌داند^۵ و ... با وجود اهمیت بسیار زیادی که در نیای معاصر حکم به حرمت نشر و مطالعه و تکسب و حفظ این کتب دارد و با توجه به این که بیسارین اختلافات در بین فقیهان در بحث کتب ضلال وجود دارد تا جایی که یکی صرفاً کتبی را که جهت تقویت ضلال نگاشته شده و دیگری مطلق کتب غیر رشاد را «ضلال» می‌داند و فقیهان دیگر تنها کتابی را که موجب اضلال می‌شود، «کتاب ضلال» معرفی کرده و فقهی دیگر هر آنی را که با حق مخالف باشد و با ضروریات و ثبوتات دین مقابله نماید، ضلال به شمار می‌آورد و از سویی برخی

۱. حسینی عاملی، محمد جواد، مفتاح الکرامه، ج ۴، ص ۶۳

۲. «و عندی فی الحکم من أصله توقف، لعدم النص، و التحريم و الوجوب و نحوهما أحكام شرعية، يتوقف القول بها على الدليل الشرعی، و مجرد هذه التعليلات الشائعة فی کلامهم، لا تصلح عندی لتأسيس الأحكام الشرعية» (بحرانی، یوسف بن احمد، الحقائق الناضرة، ج ۱۸، ص ۱۴۲).

۳. صاحب جواهر، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۵

۴. حسینی عاملی، محمد جواد، همان، ج ۴، ص ۶۳

۵. تراقی، احمد، مستند الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۵۷

از فقیهان بحث را به اختلافات فقهی و در قروع دین نیز گسترش داده - و حال آنکه نظریه تخطئه که از مبانی فقه امامیه و وجه ممیزه تفکر فقهی شیعه نسبت به عامه است و ادله‌ی این نظریه حاکی از میرهن بودن اختلافات و حتی اشتباهات در قروع دین توسط اهل اجتهاد بوده و در عین خطا بودن دیدگاه مجتهد، فتوای ایشان را مقرب و قابل احترام برای مقلدان آن، می‌شمارد و مجتهد را در فرض اجتهاد مأجور در پیشگاه حق می‌داند، خلاف این دیدگاه را حکایت دارد -، حتی گروهی از فقیهان را می‌بینیم که از این مقدار فراتر رفته، سحر و کهنه را نیز که به تعبیر برخی فقط از جهت حکمی به کتب ضلال ملحق می‌شوند، از جهت موضوعی به کتب ضلال ملحق و بلکه جزء آن دانسته‌اند.

بر این اساس باید این آرای فقهای شیعه که گاهی را بدون دلیل و مستند عقلانی و شرعی نمی‌پیمایند، از جهات مختلفی دارای اهمیت می‌باشد و از آنجا که در کتب فقهی تنقیح مناسب و واحدی نه به لحاظ فقهومی و نه به لحاظ مصداقی و حکمی از این مسئله - ی خطیر نشده‌است و صرفاً به تضامیر ابواب فقه و در باب متاجر و ... به برخی مسائل آن اشاره شده و از سویی چنانکه در آرای بحث نیز سر بسته گذشت، این حکم فقیهان با چالشهای مهمی روبروست از آن جمله اینکه در دنیای معاصر آزادی بیان، اطلاع‌رسانی و اطلاع‌یابی - شواهد بسیاری نیز وجود دارد که در پیرامبر (ص) و ائمه (ص) نیز حائز اهمیت والائی بوده‌است - از جمله مفاهیمی است که به طور عمده مورد اهتمام نواندیشان و دگراندیشان قرار گرفته است و برای نهاده‌سازي این حق در مدل مختلف ارتباط جمعی استفاده می‌شود و اندیشمندان جوامع، این حق را برای افراد معرّم شده و اجازه طرح آراء و دیدگاه‌های اعتقادی و سیاسی را می‌دهند. همین حق در منشور عالی دین مبین اسلام، قرآن کریم در مواضع مختلف مورد تأیید قرار گرفته‌است و آیات شریفه‌ای، حاکی از آزادی افراد در استماع افکار و اختیار هر آنچه آن را خود، مختارانه می‌پسندند، و اختیار در انتخاب مسیر حق که لازمه‌ی آن امکان استفاده و حلیّت استفاده از تمام منابع است، وجود دارد. برای مثال آیه‌ای همانند: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ

هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ»، حاکی از مدعای ماست، که پذیرش دین و اعتقاد و هدایت باید در نهایت آزادی باشد و از لوازم عقلی آن، آزادی افکار و اندیشه‌های مختلف برای افراد است تا آزادانه و محققانه اختیار دین نمایند و چنین دینی که پس از دریافت تمام اندیشه‌ها و افکار، مضلانه، اشتباه و هادپانه اختیار گردد، اهمیت و ارزش دارد نه دینی که فرد کورکورانه و به تقلی از آباء و اجداد خود اختیار کرده است.

سیره ی پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) نیز همین معنا را موید است چه آنکه شواهد بسیاری وجود دارد که در جامعه‌ی معاصر ایشان ادیان موجود در جامعه می‌توانستند، از آنکه و مختارانه به ارائه اعتقادات خود بپردازند و اندیشه خود را برای مسلمانان توضیح دهند، یا از مسلمانان انتقاد نمایند و از آنجا که تربیت جامعه در عصر حضور به گونه‌ای بوده که ظرفیت فکری جایی برای این نوع تبلیغ‌ها نمی‌گذاشت و یا رسول مکرم اسلام (ص) را کار را در ممانعت فیزیکی و جسم آراء و اندیشه ادیان نمی‌دیدند و مانع انتشار افکار نمی‌شدند، اما منطق قوی خود جایی برای نفوذ افکار و عقاید و اندیشه‌های انحرافی نمی‌گذاشتند به سبب ارائه منطق متعالی خود با آنها به مبارزه می‌پرداختند و آنجا که منطقی جز جنگ برای این حربه به تهاجم خصم، پاسخ می‌دادند و به طور کلی ایشان به حسب هر تهاجمی منطق مبارک با آن را بر می‌گزیدند و منطق حلم و تجادل به احسن را پیش روی خود قرار می‌دادند. حکم عقل نیز همین منوال را بایسته و مناسب در برخورد با خصم می‌داند.

۱. «آنان که سخن را می‌شنوند و از بهترینش پیروی می‌کنند، اینانند کسانی که خدا با آنان کرده، و اینان همان خردمندانند.» آیات دیگری نیز به مدلول التزامی بین یا غیر بین می‌تواند حاکی از بیان ما باشد و در تنافی ظاهری و بدوی حکم به حرمت کتب ضلال باشد، همانند: «وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ» (بلد/۱۰)، «لَا بُرْءَ لِي دِينَ الَّذِينَ قَدَّ تَبَتُّنَ الرَّسُولَ مِنَ الْآلِی» (بقره/۲۵۶)، «وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ» (کهف/۲۹)، «كُنْتُ عَلَيْهِمْ بِمُصْطَفٍ» (غاشیه/۲۲)، «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَ فَآنتُمْ تُكْفِرُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (یونس/۲۹)، «لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَى إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا» (نساء/۹۴)، «ذَرِ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَغْلَمُ بِمَنْ حَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَغْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (نحل/۱۲۵).